

کلمات مترادف

مَلِك: پادشاه

مُلْك: قلمرو، سرزمین

مصیبت: رنج و سوز

غوطه: غرق و غرق شدن در آب

عافیت: سلامتی و تندرستی

ویلون: یکی از سازهای موسیقی

غایت: نهایت، آخرین درجه

خامش: مخفف خاموش

تأمل کردن: اندیشیدن

کلمات متضاد

دوستی ≠ دشمنی

نرمی ≠ سستی

کلمات هم خانواده

خطوط، خط

حصار، حصار

پاگرفت: استوار شدن

افق: کرانه آسمان

حصار: دیوار

تصوّر: اندیشه

محنت: سختی، رنج

درنهاد: پنهان کردن

نیازموده: تجربه نشده، آنچه آزمایش نشده

ملاطفت: صبر و بردباری

کاجستان: جایی که درخت کاج فراوان است

محنت ≠ آسایش

ضرر ≠ سود

آشنا ≠ غریب

سالم ≠ بیمار

تحمل، جل - حامل

ملاطفت، لطیف

عاقبت، عقبی

کرم، انعام، تکرم